

نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۴/۲۷

مرتضی عزتی*

چکیده

انگیزه، هدف و چگونگی رفتار تولیدکننده مسلمان، یکی از چالش‌های نظری مهم درباره اقتصاد اسلامی است. در این باره نظریه‌هایی ارائه شده است؛ اما این نظریه‌ها نقاط ضعفی نیز دارد. در مقاله پیش‌رو کوشش شده است با مرور این نظریه‌ها به‌ویژه با تمرکز بر موضوع انگیزه، هدف و مدل‌های بهینه‌یابی رفتار تولیدکننده مسلمان، تبیین تکمیلی در این باره ارائه شود. این تبیین در پاسخ این پرسش است که انگیزه و هدف تولیدکننده مسلمان چیست؟ و چگونه نقطه تعادل وی تعیین می‌شود؟ سرانجام در این باره پس از تبیین انگیزه و هدف رفتارهای تولیدکننده مسلمان، مدلی برای بهینه‌یابی رفتار تولیدکننده مسلمان ارائه شده است.

واژگان کلیدی: نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان، انگیزه، هدف، بهینه‌یابی.

طبقه‌بندی JEL: D21, Z12

مقدمه

یکی از بنیادی‌ترین بحث‌های علوم اجتماعی، انگیزه و هدف رفتار انسان‌ها است. در تعبیرهای گوناگون، عامل توجیه فعالیت‌های انسان، رفع نیازهایش بیان شده است. روشن نشدن انگیزه و هدف رفتارها، مدت‌ها اندیشه‌وران علوم اجتماعی را با تناقض در بحث‌های علمی روبه‌رو کرده بود. در بین علوم اجتماعی، دانشمندان اقتصاد و روانشناسی توانستند با فراهم ساختن زمینه‌هایی جهت حل این مسئله، بحران این دو شاخه از علم را تا حدودی برطرف کنند. بی‌شک در بررسی مسائل اسلامی و در پی‌جویی چگونگی رفتار مسلمان نیز این انگیزه و هدف، اهمیت خاصی دارد و یکی از اساسی‌ترین مسائل اولیه لازم برای پی‌ریزی نظری رفتار مسلمانان است. در بین رفتارهای اقتصادی، رفتارهای تولیدی اهمیت بسیاری دارد. تولید یکی از محورهای اساسی اقتصاد است که در اقتصاد اسلامی نیز مورد توجه جدی بوده است. بحث‌های مربوط به تولید از صدر اسلام مطرح بوده است. در قرآن و روایت‌ها، بحث‌های گوناگونی از تولید و عرضه کالاها و خدمات مطرح شده است. پیامبر اکرم⁶ و جانشینان وی به‌صورت ویژه‌ای به بحث تولید و عرضه کالاها و خدمات توجه کرده‌اند. به‌طوری که پیامبر اکرم⁶ بخشی از اوقات خود را صرف نظارت بر عرضه کالاها و خدمات در بازار می‌کردند. حضرت علی⁷ نیز در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید:

باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه آبادانی زمین باشی؛ زیرا خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی. هر گاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا بریدن آب یا نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین، چون در آب فرو رفتن آن یا بی‌آبی، شکایت نزد تو آوردند، از هزینه و رنجشان بکاه، آن قدر که امید می‌داری که کارشان را سامان دهد و کاستن از خراج بر تو گران نیاید؛ زیرا اندوخته‌ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد.

براساس این اهمیت، اقتصاددانان مسلمان نیز به موضوع تولید و ارائه نظریه درباره آن پرداخته‌اند. یکی از مسائل بسیار مهم درباره رفتارهای عاملان اقتصادی از دیدگاه اسلامی، انگیزه و هدف آنها است که به‌وسیله اقتصاددانان مسلمان نیز مورد توجه جدی واقع شده

است. در این باره نوشته‌های متعددی وجود دارد و صاحب‌نظران، بحث‌های گوناگونی را مطرح کرده‌اند. به‌طور خاص درباره انگیزه و هدف تولیدکننده مسلمان نیز این پرسش مطرح است که انگیزه و هدف تولیدکننده مسلمان چیست؟ آیا انگیزه‌اش کسب سود و هدفش حداکثر کردن آن است؟ چگونه نقطه تعادل وی تعیین می‌شود؟ در این باره مطالعه‌های گوناگونی انجام شده است و انگیزه‌های گوناگونی را برای تولیدکننده مسلمان مطرح و هدف‌هایی متناسب با آنها را ترسیم کرده‌اند. برخی همراه ترسیم چگونگی بهینه‌سازی و تحقق هدف، مدل نیز ارائه کرده‌اند. به‌رغم اینکه درباره این هدف‌ها می‌توان نکته‌های گوناگونی ارائه کرد، در اینجا نوشته‌های موجود درباره انگیزه و هدف تولیدکننده مسلمان و ارائه مدل برای بهینه‌سازی رفتار تولیدکننده مسلمان را مورد توجه قرار داده‌ایم. با فرض پذیرش کلیت این مطالعه‌ها و جمع‌بندی آنها، مدلی که بتواند این بحث‌ها را کامل کند، ارائه خواهیم کرد.

ابتدا مطالعه‌های انجام‌شده درباره انگیزه و هدف ارائه‌شده برای تولیدکننده مسلمان مرور و دسته‌بندی می‌شود؛ سپس مدل‌های ارائه‌شده در این باره مرور می‌شود. پس از آن با نقد نظریه‌ها و مدل‌های موجود، مدل تکمیلی ارائه می‌شود.

پیشینه مطالعه‌های رفتار تولیدکننده مسلمان

درباره رفتار تولیدکننده مسلمان مطالعه‌های گوناگونی انجام شده و براساس آنها متونی نوشته شده است. برخی از این متن‌ها بحث‌های خود را در قالب مفاهیم نوشتاری مطرح کرده‌اند و کوشیده‌اند بُعدهایی از دیدگاه اسلام درباره تولید و تولیدکننده را مطرح کنند؛ اما برخی از این نوشته‌ها کوشیده‌اند رفتار تولیدکننده مسلمان را در قالب بحث‌های علمی ارائه کنند و به تعبیر علمی، نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان ارائه کنند. این متون محدودتر هستند و در عین حال از نظر علمی واجد ارزش خاص خود هستند. می‌توان مهم‌ترین بحث‌های موجود در این باره را به بحث‌های ارائه‌شده درباره انگیزه و هدف تولیدکننده مسلمان و ارائه مدل برای تبیین رفتار بهینه‌سازی تولیدکننده مسلمان دانست. در مقاله پیش‌رو بر این موضوع متمرکز می‌شویم و چون در پی ارائه نگاهی جدید از لحاظ نظری به رفتار تولیدکننده مسلمان و تبیین نظری آن هستیم، پیشینه ارائه نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان را

در دو بخش انگیزه و هدف تولیدکننده مسلمان در مطالعه‌های گذشته و مدل‌های ارائه‌شده برای بهینه‌سازی رفتار تولیدکننده مسلمان ارائه و آنها را جمع‌بندی می‌کنیم؛ بنابراین از آن به تبیین تکمیلی خود در این باره می‌پردازیم.

انگیزه و هدف تولیدکننده مسلمان در مطالعه‌های گذشته

چنانکه اشاره شد، مطالعه‌های انجام‌شده درباره رفتار تولیدکننده مسلمان به‌طور عمده بر هدف تولیدکننده تمرکز کرده‌اند. می‌توان گفت اغلب این مطالعه‌ها کوشیده‌اند انگیزه و هدف تولیدکننده مسلمان را به نوعی متفاوت از انگیزه و هدف تولیدکننده در نظریه اقتصاد سنتی بیان کنند. با وجود این برخی از نوشته‌ها نیز بر اصل و محور بودن سود تأکید کرده‌اند. می‌توان چگونگی بیان انگیزه و هدف در مطالعه‌های گوناگون را به پنج دسته تقسیم کرد. انگیزه و هدف بیان‌شده برای تولیدکننده مسلمان را در قالب این پنج دسته مرور می‌کنیم.

حداکثرسازی سود به‌عنوان هدف اصلی

برخی از صاحب‌نظران انگیزه محوری تولیدکننده مسلمان را کسب سود بیان کرده‌اند. این افراد به‌صورت‌های گوناگون انگیزه‌های فرعی دیگری نیز در کنار سود برای تولیدکننده مطرح کرده‌اند. به تبع این انگیزه در این مطالعه‌ها هدف محوری تولیدکننده مسلمان، حداکثرسازی سود مطرح شده است:

عارف (۱۹۸۲ و ۱۹۹۷) کسب سود را انگیزه محوری و حداکثرسازی سود را هدف تولیدکننده مسلمان می‌داند. وی هدف اصلی تولیدکننده مسلمان را در وضعیت گوناگون بازار رقابت، انحصار یا حالت‌های دیگر، حداکثرسازی سود می‌داند. وی بیان می‌کند که براساس آموزه‌ها و قاعده‌های اسلامی، تولیدکننده مسلمان آزاد است سود خود را حداکثر کند و قاعده‌هایی؛ مانند: عدالت، نوع‌دوستی، انجام هزینه در راه خدا و مانند اینها، اصول اخلاقی هستند که مسلمان آنها را در ضمن حداکثرسازی سود مراعات خواهد کرد.

وی در ضمن بیان می‌کند که در بلندمدت حداکثرسازی سود به مقدار سود معقولی می‌رسد که در آن اجحاف و ظلمی نخواهد بود و در کوتاه‌مدت نیز در صورت تخطی

تولیدکننده از قوانین و مقررات برای کسب سود غیرمعقول، دولت می‌تواند آن را کنترل کند (عارف، ۱۹۹۷، ص ۹۷-۱۰۷).

دار (۱۹۸۸) نیز هدف حداکثرسازی سود تولیدکننده را از نظر اسلامی مقبول می‌داند؛ اما این حداکثرسازی را مشروط به آن می‌کند که حداکثر سودی که به وی می‌رسد، غیرمعقول و غیرمتعارف نباشد.

اقبال (۱۹۹۲) نیز می‌پذیرد هدف عمده تولیدکننده مسلمان حداکثرسازی سود است؛ اما اگر بنگاه براساس اصول اخلاقی اسلامی اداره شود، تولیدکننده اصول دیگری را نیز در نظر می‌گیرد. وی بر باورهای تولیدکننده و رابطه مدیریت و مالکیت بنگاه برای رعایت قاعده‌های اخلاقی اسلامی تأکید می‌کند؛ اما آنها را هدف عمومی نمی‌داند.

بعلی (۲۰۰۰) نیز هدف‌بودن حداکثرسود را در چارچوب رعایت ضوابط شرعی و احکام اسلامی به‌عنوان هدف اصلی تولیدکننده مسلمان مطرح می‌کند.

مصری (۲۰۰۱) نیز نظری مشابه بعلی دارد. وی نیز به‌طور کلی حداکثرسازی سود در قالب رعایت قوانین و مقررات شرعی را از نظر اسلام قابل قبول می‌داند و بیان می‌کند که حداکثرسازی سود در قالب تعریف‌ها و مقررات دو نظام اسلامی و سرمایه‌داری قابل قبول است. فقط ممکن است برخی قیدها در این دو نظام متفاوت باشد. وی بیان می‌کند اگر حداکثرسازی سود در چارچوب قواعد اسلامی و برای تأمین نیازهای خود و خانواده خود و نیز هزینه‌کردن در راه امور خیر باشد مورد تأیید اسلام است (میرمعزی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶-۱۱۵). میرمعزی (۱۳۸۳) نیز هدف حداکثرسازی سود را به‌عنوان هدف اصلی تولیدکننده مسلمان می‌پذیرد و آن را در قالب تحلیل رفتار بنگاه وارد می‌کند.

محمد امین و عبدالله یوسف (۲۰۰۳) نیز بیان می‌کنند در صورتی که ماهیت کالا با توجه به هزینه فرصت تولید آن برای جامعه مقبول باشد، حداکثرسازی سود می‌تواند هدف اصلی تولیدکننده مسلمان باشد.

این دو نویسنده در مقاله دیگری (۲۰۰۷) نیز بر مزیت سادگی این انگیزه و هدف برای تحلیل تأکید می‌کنند.

حداکثرسازی مقید سود به عنوان هدف اصلی

برخی از اقتصاددانان مسلمان ضمن پذیرش انگیزه کسب سود برای تولیدکننده مسلمان، هدف حداکثر سود را برای وی در قالب قیدها و محدوده‌هایی پذیرفته‌اند.

صدیقی (۱۹۷۹) در بخشی از مطالب خود بیان می‌کند که حداکثرسازی سود در قالب محدودیت‌هایی؛ مانند: رعایت عدالت، نوع دوستی و ارزش‌های اسلامی می‌تواند هدف تولیدکننده مسلمان باشد. وی سود ارض‌کننده تولیدکننده مسلمان را چنین حداکثر سودی می‌داند.

تقوی (۱۹۸۱) نیز بر این نظر است که از دیدگاه اسلامی تولیدکننده آزاد است سود خود را با رعایت چهار شرط حداکثر کند. این چهار شرط عبارت هستند از:

۱. سود اضافه (غیرعادی) دریافت نکند و در توزیع عواید بین سود و دستمزد عدالت را رعایت کند؛
۲. در بازارهایی که سود غیرمتعارف دارد سود تعدیل شود؛
۳. کالاهای خصوصی نسبت به کالاهای عمومی افزایش نیابد، به‌ویژه در کشورهایی که فقر عمومی تر است؛
۴. سبد مصرفی که برای کارکنان در نظر گرفته می‌شود باید شامل دستمزد و کالاهای موردنیاز آنها باشد.

زبیر حسن (۱۹۹۲) باور دارد تولیدکننده مسلمان باید برای حداکثرسازی سود بکوشد؛ اما وی سود به اصطلاح خالص را معرفی می‌کند. وی بیان می‌کند تولیدکننده مسلمان سود متعارف منهای دستمزد پرداختی به کارکنان خود (سود خالص) را حداکثر می‌کند. این سود مبلغی است که بین کارگران و کارفرما تقسیم می‌شود.

زبیر حسن در مقاله دیگر خود (۲۰۰۸) با تشریح بیشتر همین مطالب را بیان می‌کند.

حداکثرسازی محصول (تولید) هدف اصلی تولیدکننده مسلمان

برخی از اندیشه‌وران مسلمان با توجه به اینکه انگیزه مسلمان، چیزی غیر از مادیات شخصی است، بیان می‌کنند که تولیدکننده مسلمان درصدد پدیدساختن منافع برای اجتماع است. بر این اساس هدف وی را در تولید بیش‌تر تحقق یافته می‌بینند.

علی (۱۹۸۰) حداکثرسازی محصول را به‌علت اینکه باعث ارضای جامعه بشری و امنیت برای انسان‌ها می‌شود، هدف تولیدکننده مسلمان می‌داند.

فروقی (۱۹۸۳) نیز با همین استدلال، حداکثرسازی محصول را هدف تولیدکننده مسلمان می‌داند. عبدالمنان (۱۹۹۲) نیز ضمن نقد حداکثرسازی سود، استدلال می‌کند که تولیدکننده مسلمان هدف اخلاقی اصلی دارد و آن تنظیم تقاضا و انجام تولید در سطوح از تقاضای مطلوب است که نیازهای جامعه را تأمین می‌کند. این مقدار ممکن است برابر تولید حداکثرسود، کم‌تر از آن یا بیش‌تر از آن باشد.

اختر (۱۹۹۳) با بیان اینکه هدف تولیدکننده مسلمان حداکثرسازی تولید است، استدلال می‌کند که چون حداکثرسازی محصول با قید ثبات داده‌ها، هدف بهینه‌سازی اقتصادی است، حداکثر تولید در جامعه (با در نظر گرفتن ثبات عامل‌های تولید در جامعه) هدف تولیدکننده مسلمان است. علی نیز در مقاله دیگری (۱۹۹۳) استدلال/اختر (۱۹۹۳) را مطرح می‌کند. برخی صاحب‌نظران مسلمان نیز هدف حداکثرسازی تولید را در کنار هدف‌های مطرح می‌کنند که در قسمت‌های بعدی بیان می‌شود.

حداکثرسازی سود به‌عنوان یکی از چند هدف

برخی از صاحب‌نظران مسلمان انگیزه تولیدکننده مسلمان را چندگانه بیان می‌کنند که در این جهت سود یکی از آنها است. این اندیشه‌وران از نظر مطرح‌کردن انگیزه‌های دیگر متفاوت هستند. همچنین در هدف نیز موضوع را متفاوت در نظر گرفته‌اند.

رحیم (۱۹۷۹) از نظر اسلام دستیابی به سطح معقولی از سود (حداکثر)، اعطای دستمزدهای عادلانه (مناسب)، فروش محصول به قیمت منصفانه و توجه به رفاه عمومی را هدف‌های تولیدکننده می‌داند.

صدیقی در بخش دیگری از مطالب خود در مقاله (۱۹۷۹) به نوعی بیان می‌کند که تولیدکننده مسلمان چند هدف دارد که از جمله حداکثرسازی سود و رفتار در قالب ایده‌آل‌های اسلامی (شامل: عدالت، نوع‌دوستی، خدمت‌رسانی و مانند اینها) است. وی بیان می‌کند که اینها برای انسان رستگاری می‌آورد؛ بنابراین مسلمان که درصدد کسب رستگاری (فلاح) است، در پی کسب این هدف‌ها خواهد بود. وی همچنین در بازنویسی مقاله خود

(۱۹۹۲) به صورت مشخص هدف‌های تولیدکننده مسلمان را الف) رفتار در قالب ارزش‌ها و قاعده‌های اسلامی و خدمت به جامعه؛ ب) عدالت؛ ج) حداکثرسازی سود در قالب دو هدف نخست می‌داند.

گاساو (۱۹۸۸) انگیزه تولیدکننده مسلمان را کسب سود معقول برای تأمین زندگی خود و خانواده و تداوم فعالیت بنگاه، همراه کسب مطلوبیت ناشی از انجام اعمال خداپسندانه می‌داند. متوالی (۱۹۹۲) تأمین منافع شخصی و منافع اجتماع را انگیزه تولیدکننده مسلمان می‌داند. وی باور دارد هدف‌های تولیدکننده از دیدگاه اسلام: الف) حداکثرسازی سود و مطلوبیت به عنوان منافع شخصی؛ ب) حداکثرسازی صدقات، است. وی این دو هدف را جانشین می‌داند.

مرطان (۱۹۹۲) نیز کسب سود عادلانه و حلال، تأمین منافع اجتماعی و کسب رضایت الهی را انگیزه‌های تولیدکننده از نظر اسلامی می‌داند. تأمین این انگیزه‌ها با ارائه دستمزد، قیمت و کیفیت عادلانه و با توجه به مکان تولید، نوع کالا و مانند اینها انجام‌پذیر است (میرمعزی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲).

عباس (۱۹۹۵) نیز نظری مشابه نظر صدیقی - اما به صورت مشخص تر - ارائه می‌کند. وی هدف تولیدکننده مسلمان را حداکثرسازی رستگاری از راه حداکثرسازی سود و نیز انجام اعمال خیرخواهانه می‌داند. وی مفهوم رستگاری را از نوشته‌های صدیقی (۱۹۹۲) دریافت و ارائه می‌کند.

متوالی در مقاله بعدی خود در این باره (۱۹۹۷) هزینه‌های در راه خدا، هزینه‌های عام‌المنفعه و نوع‌دوستانه و نیز تولید بیش‌تر را به عنوان عامل پدیدآمدن منافع اجتماعی در نظر می‌گیرد و همه را در قالب یک متغیر وارد مدل حداکثرسازی منافع می‌کند. تقوی در نوشته دیگر خود (۱۹۹۷) انگیزه تولیدکننده مسلمان را رفاه مادی مشخص، همراه رضایت معنوی حاصل از اعمال نوع‌دوستانه و خداپسندانه مطرح می‌کند که حداکثرسازی آن هدف قرار می‌گیرد؛ البته در قالب قیدها و محدودیت‌های اخلاقی و قانونی اسلامی.

زبیر حسن (۲۰۰۸) نظری بسط یافته‌تر از صدیقی ارائه می‌کند. وی هدف تولیدکننده مسلمان را حداکثرسازی سود در قالب رعایت ارزش‌های اسلامی می‌داند. همچنین بیان

می‌کند هدف دیگر تولیدکننده مسلمان عدالت در توزیع منافع حاصل از تولید بین همه کسانی است که در تولید سهمی ایفا کرده‌اند. وی سومین هدف را مراعات محدودیت‌های کسب سود بیان می‌کند که با رعایت حقوق و قاعده‌های معامله‌های اسلامی؛ مانند: حرمت ربا، غرر، تدلیس و مانند اینها، پرداخت حداقلی از دستمزد به کارگران، رعایت قواعد اسلامی مالکیت و سهم آنها شکل می‌گیرد.

حداکثرسازی مطلوبیت هدف تولیدکننده مسلمان

برخی از صاحب‌نظران مسلمان انگیزه تولیدکننده مسلمان را کسب مطلوبیت و هدف وی را حداکثرسازی مطلوبیت بیان کرده‌اند.

این صاحب‌نظران از نظر بیان عامل‌های پدیدساختن مطلوبیت با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ اما در مجموع در بیان نهایی خود مدل مشابهی را مطرح می‌کنند.

کهف (۱۹۷۸) انگیزه تولیدکننده مسلمان را کسب مطلوبیت دنیوی و اخروی می‌داند که از راه کسب سود برای تأمین نیازهای مخارج دنیوی و نیز انجام هزینه‌های در راه خدا به دست می‌آید. وی هدف تولیدکننده مسلمان را حداکثرسازی مطلوبیت می‌داند. کهف این مطالب را در کتاب تدوین شده (در سال ۲۰۰۱) به صورت منظم‌تر بیان کرده است.

گاسو (۱۹۸۸) نیز انگیزه تولیدکننده مسلمان را از نظر اسلام، مطلوبیت دنیوی و اخروی می‌داند و حداکثرسازی آن را هدف وی بیان می‌کند؛ البته وی در کنار این، کسب سود معقول برای تأمین زندگی خانواده و تداوم فعالیت بنگاه تولیدکننده را نیز هدف جنبی در نظر می‌گیرد. وی اینها را در کنار مطلوبیت دنیوی و اخروی شخصی می‌داند.

بن‌جیلالی و طاهر (۱۹۹۰) ضمن بیان انگیزه کسب مطلوبیت و هدف حداکثرسازی آن برای تولیدکننده مسلمان، مطلوبیت را تابع سود و رفاه عمومی می‌دانند. از نظر وی رفاه عمومی از راه افزایش محصول افزایش می‌یابد.

متوالی (۱۹۹۲) هدف تولیدکننده مسلمان را حداکثرسازی مطلوبیت می‌داند که از نظر وی کسب مطلوبیت، تابعی از سود و صدقات (مخارج عام‌المنفعه) است.

صفر (۱۹۹۵) نیز نظری مشابه متوالی ارائه می‌کند.

حلاق (۱۹۹۵) نیز ضمن بیان انگیزه کسب مطلوبیت و هدف حداکثرسازی آن برای تولیدکننده مسلمان، مطلوبیت را تابع سود و رفاه عمومی می‌داند. از نظر وی رفاه عمومی از راه هزینه‌های عام‌المنفعه تولیدکننده و افزایش تولید محصول افزایش می‌یابد. متوالی در مقاله دیگری در تکمیل بحث خود (۱۹۹۷) هدف تولیدکننده مسلمان را حداکثرسازی مطلوبیت می‌داند که از نظر وی کسب مطلوبیت تابعی از سود و مخارج عام‌المنفعه و افزایش رفاه عمومی ناشی از تولید بیش‌تر است.

مدل‌های ارائه‌شده برای بهینه‌سازی رفتار تولیدکننده مسلمان

می‌توان گفت برخی از صاحب‌نظران بهینه‌سازی رفتار را در قالب مفاهیم کیفی رعایت قاعده‌های اسلامی؛ مانند: حرمت ربا، عدالت، منع انواع تقلب حفظ ارزش‌های اسلامی و مانند اینها بیان کرده‌اند که برای تحقق اینگونه هدف‌ها، ارائه مدل بسیار دشوار است. به این علت در این باره مدلی ارائه نشده است؛ اما درباره هدف‌هایی مانند حداکثرسازی سود و مطلوبیت مدل‌هایی ارائه شده است که آنها را مرور می‌کنیم.

مدل بن‌جیلالی و طاهر

بن‌جیلالی و طاهر (۱۹۹۰) استدلال می‌کنند که تولیدکننده مسلمان دو انگیزه اصلی دارد: یکی کسب سود و دیگری افزایش رفاه اجتماعی که هر دو برای وی مطلوبیت پدید می‌آورند. بر این اساس هدف تولیدکننده مسلمان، حداکثر کردن سود و هدف دیگرش حداکثر کردن رفاه اجتماعی است. مطلوبیت وی تابع این دو هدف است. بر این اساس تابع مطلوبیت تولیدکننده مسلمان چنین است:

$$U = U(\pi, W) \quad (2-1)$$

که در آن U مطلوبیت، π تابع سود تولیدکننده و W تابع رفاه اجتماعی است. براساس نظر وی می‌توان رفاه اجتماعی را تابع مقدار تولید (Q) دانست. در این صورت می‌توان نوشت:

$$U = U(\pi, Q) \quad (2-2)$$

مانند کالاهای معمولی فرض می‌شود مطلوبیت نهایی π و Q مثبت است. همچنین مشتق جزئی دوم هر یک از اینها نیز مثبت است. مشتق جزئی متقاطع آنها نیز مثبت است. برای تابع سود تولیدکننده تابع متداول در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی:

$$\pi = TR(Q) - TC(Q) \quad (2-6)$$

بر این اساس تابع هدف تولیدکننده مسلمان خواهد شد:

$$Max: U = U(\pi, Q)$$

$$S.to: \pi = TR(Q) - TC(Q) \quad (2-7)$$

که برای حل مسئله از شرایط کان-تاگر استفاده می‌شود. براساس شرایط لازم حداکثرسازی تابع هدف اگر $MRS_{Q,\pi}$ برابر صفر باشد، $MR=MC$ خواهد شد که شرایط انحصار کامل است. اگر $MC=P$ باشد، شرایط رقابت کامل برقرار خواهد شد و شرط لازم حداکثر سود برقرار می‌شود:

$$MRS_{Q,\pi} = P - P - PQ = PQ_e \quad (2-14)$$

یعنی:

$$MRS_{Q,\pi} = -P(Q_e)Q_e \quad (2-15)$$

به‌طور کلی براساس این شرط، بنگاه مسلمان بین این دو مقدار تولید می‌کند؛ یعنی داریم:

$$0 < MRS_{Q,\pi} < -P(Q_e)Q_e \quad (2-16)$$

مدل متوالی

متوالی در مقاله «مدل رفتاری بنگاه اسلامی» (۱۹۹۲) مدلی را برای حداکثرسازی مطلوبیت ارائه می‌کند که در آن مطلوبیت تولیدکننده تابعی از مقدار سود (F) و هزینه‌های پرداختی بابت صدقات (G) است؛ یعنی:

$$y = y(F, G) \quad (2-20)$$

وی یک متغیر به نام سود واقعی (M) تعریف می‌کند که حاصل تفریق هزینه کل (C) و

هزینه‌های صدقات و عام‌المنفعه (G) از درآمد کل (R) است؛ یعنی:

$$M = R - C - G \quad (2-21)$$

که در آن درآمد کل و هزینه کل تابع مقدار تولید (q) و به‌صورت ذیل هستند:

$$R = pq \quad (2-22)$$

$$C = C(q) \quad (2-23)$$

در این مدل فرض می‌شود تابع تقاضا به صورت متداول است و افزایش پرداخت صدقات به وسیله بنگاه باعث انتقال منحنی تقاضا به بالا می‌شود. رابطه بین سود و سود واقعی (M) به صورت ذیل است:

$$F = M - Z - U \quad (2-26)$$

که در آن مقدار زکات (مالیات) بر سود و U پرداختی اضافی از سود است. با فرض اینکه نرخ زکات بر سود μ و نرخ سایر پرداخت‌های اضافی از سود β باشد، خواهیم داشت.

$$Z = \mu M = \mu(R - C - G) \quad (2-27)$$

$$U = \beta M = \beta(R - C - G) \quad (2-28)$$

با جای‌گذاری روابط (۸) و (۹) در رابطه (۲) خواهیم داشت:

$$F = (1 - \mu - \beta)(R - C - G) \quad (2-29)$$

از نظر متوالی این تابع، تابع هدف تولیدکننده مسلمان خواهد بود؛ اما وی قیدی مهم دارد که حداقل سود قابل قبول برای مالکین است. در این صورت هدف تولیدکننده مسلمان به صورت ذیل خواهد شد:

$$\text{Max: } Y = Y(F, G) \quad F = f(q), G = g(q) \quad (2-30)$$

$$\text{S. t.:} \quad -F \leq \pi - F \leq 0 \quad (2-31)$$

با شرایط کان تا کر این رابطه حل خواهد شد.

صفر (۱۹۹۵) نیز مدل متوالی را پذیرفته و کوشیده است با روش برنامه‌ریزی غیرخطی شرایط تعادل آن را بیان کند.

مدل حلاق

حلاق (۱۹۹۵) نوعی ترکیب از مدل‌های بن‌جیلالی و طاهر (۱۹۹۰) و متوالی (۱۹۹۲) ارائه می‌کند. وی مانند بن‌جیلالی و طاهر مطلوبیت تولیدکننده مسلمان را تابعی از سود و مقدار تولید در نظر می‌گیرد و رفاه اجتماعی را تابعی مستقیم از تولید در نظر می‌گیرد. وی بیان می‌کند که افزون بر این، تولیدکننده مسلمان بخشی از سود خود را نیز در راه خدا هزینه

می‌کند. این نکته همان چیزی است که متوالی در مدل خود ارائه کرده است. در مدل حلاق به‌طور خاص هزینه‌های در راه خدا نسبتی از π است؛ یعنی داریم:

$$G = \alpha\pi \quad (2-44)$$

که در آن G هزینه‌های در راه خدا، π سود و α نسبت هزینه‌های در راه خدا به سود است. براساس مدل حلاق، تولیدکننده مسلمان تابع مطلوبیت خود را که به‌صورت ذیل نوشته می‌شود، حداکثر می‌کند:

$$U = U(\pi, W) \quad (2-45)$$

در آن $W=w(q)$ است. بر این اساس به‌جای W در مدل از q استفاده می‌شود و تابع هدف تولیدکننده مسلمان می‌شود:

$$\text{Max} : U = U(\pi, q) \quad (2-46)$$

$$\text{S.t} : \pi = R(q) - C(q) - G \quad (2-47)$$

با استفاده از شرایط کان‌تاکر، حداکثرسازی صورت می‌گیرد. در اینجا نیز چون $G = \alpha\pi$ در نظر گرفته می‌شود، خواهیم داشت:

$$\pi = (1 - \alpha)(R(q) - C(q)) \quad (2-48)$$

بر این اساس شرط نخست همان $MR=MC$ (فقط با لحاظ کردن مجموع هزینه‌های جدید) خواهد شد. شرایط مرتبه دوم (کافی) نیز طبق روش متداول به‌دست می‌آید.

مدل محمدامین و عبدالله یوسف

محمد/امین و عبدالله یوسف (۲۰۰۳) سود با قید مصلحت را به‌عنوان مبانی حداکثرسازی می‌پذیرند. در مدل ارائه‌شده به‌وسیله وی، تابع اولیه سود به‌صورت ذیل نوشته می‌شود:

$$\pi = \pi(q) = R(q) - C(q) \quad (2-49)$$

در آن π سود، R درآمد کل و C هزینه کل و q مقدار کل تولید است و درآمد کل چنین به‌دست می‌آید:

$$R(q) = P(q) \times q \quad (2-50)$$

در آن p قیمت است. هزینه نیز چنین است:

$$C = E(q) + Ic(q) \quad (2-51)$$

$E(q)$ هزینه‌های ضمنی و $I_c(q)$ هزینه‌های آشکار/ فرصت مناسب طبق نظریه اقتصاد

سستی است و $0=I_c(0)$ است. هزینه فرصت در اقتصاد اسلامی چنین است:

$$I_s = I_s(q) = \alpha(q) + I_c(q) \quad (2-52)$$

در آن α تابع هزینه فرصت کالا براساس مصلحت اسلامی است و $\alpha(0) = 0$ در نظر گرفته می‌شود. برای کالاهای ضروری با تولید مثبت $\alpha'(q) < 0$ است؛ اما برای تولید کالای غیرضروری که جامعه نیاز به تولید کالای ضروری دیگری دارد و تولیدکننده می‌تواند تولید آن را جایگزین کند، $\alpha'(q) > 0$ است. بر این اساس برای کالاهای ضروری در هر مقدار تولیدی داریم:

$$I_s(q) < I_c(q) \quad (2-53)$$

برای کالاهای ضروری، مقدار تولید تعادلی (q_s) بیش‌تر از مقدار تولید تعادلی در نظریه اقتصاد سستی (q_s^e) است؛ اما برای کالای غیرضروری که جایگزین ضروری دارد، q_s^e کم‌تر از q_s است. حداکثرسازی تولیدکننده مسلمان با معادله ذیل انجام می‌شود:

$$\pi(q) = R(q) - [E(q) + I_c(q) + \alpha(q)] \quad (2-54)$$

که شرط لازم (اول) تعادل خواهد بود:

$$R'(q^e) = E'(q^e) + I_c'(q^e) + \alpha'(q^e) \quad (2-55)$$

براساس روش متداول شرایط کان‌تاکر، حداکثرسازی صورت می‌گیرد. این‌دو نویسنده در مقاله دیگر خود (۲۰۰۷) بر برتری این مدل به‌علت سادگی و سهولت کاربرد تأکید کرده‌اند.

جمع‌بندی مطالعه انجام‌شده

مطالعه‌های انجام‌شده درباره نظریه رفتار تولیدکننده از جهت‌های گوناگونی به این موضوع پرداخته‌اند و پیشرفت‌های نظری خوبی در این‌باره حاصل شده است؛ اما در این‌باره دو نکته اساسی وجود دارد که باعث شده است این نظریه‌ها و مدل‌ها نتوانند به خوبی رفتار تولیدکننده مسلمان را در زمینه‌های گوناگون توجیه کنند:

۱. نکته اینکه بیش‌تر این نوشته‌ها بر محوریت و تمامیت انگیزه توجه نکرده‌اند؛ زیرا اگر انگیزه، عامل درونی و ذاتی نباشد نمی‌تواند برای افراد گوناگون یکسان باشد و

براساس آن نمی‌توان نظریه جامع ارائه کرد. این مسئله باعث انحراف از راه می‌شود و نظریه را دچار اشکال می‌کند. در بیش‌تر این مطالعه‌ها بر محوریت انگیزه سود تأکید شده است و در کنار آن، انگیزه‌های دیگر نیز ارائه شده است. نخست باید گفت اگر انگیزه‌ها متفاوت و چندگانه باشد، ممکن است در درون فرد تضاد و تناقض پدید آورد و فرد نتواند بین آنها جمع کند، در نتیجه تعادل برقرار نشود و دوم اینکه انگیزه‌های متفاوت هدف‌های متفاوت پدید می‌آورد که اگر این هدف‌ها متفاوت از یک جنس نباشند، نمی‌توان آن را به صورت متداول در مدل وارد کرد و ناچار به ارائه فرض‌های غیرمعقول می‌شویم. چنانکه مشاهده می‌شود به این علت در هدف‌گذاری مدل‌های ارائه‌شده بخشی از هدف‌های تولیدکننده، مانند سود شخصی و افزایش تولید جامعه یا سود شخصی و رفاه اجتماعی در مدل قابل ارائه بوده‌اند. می‌توان گفت اگر بتوان انگیزه واحد برای همه رفتار تولیدکننده ارائه شود می‌تواند به صورت مناسب‌تر هدف‌گذاری و در مدل وارد شود.

۲. نکته قابل تأمل دیگر در این باره این است که در برخی مدل‌های موجود دارایی قابل صرف‌کردن به طور دقیق مشخص نشده است و در نتیجه این دارایی برای همه مقاصد قابل صرف‌کردن نیست. در این شرایط مدل‌های ارائه‌شده بیش‌تر حالت‌های خاص را تشریح کرده‌اند تا اینکه بتوانند تعادل هدف‌گذاری عمومی داشته باشند و برای همه حالت‌های تصمیم صادق و قابل ارائه باشند.

بر این اساس، می‌کشیم با ارائه مدلی که این دو مشکل را نداشته باشد، به تکمیل بحث‌های این موضوع پردازیم.

مدل قابل ارائه

واقعیت انگیزه و هدف

اگر به طور واقع‌نگرانه به انگیزه و هدف انسان بنگریم، نمی‌توانیم بگوییم انگیزه‌اش می‌تواند خارج از وی باشد. انسان به طور ذاتی دوست‌دار خود است. اگر انگیزه وی ذاتی نباشد، نمی‌تواند همیشگی باشد و ممکن است از انسانی به انسان دیگر تفاوت کند. به طور ویژه برخی مکاتب روانشناسی تأکید دارند که نمی‌توان برای انسان انگیزه‌های ذاتی متفاوت قابل

شد. * مکتب کل‌نگری این انگیزه را رضایت‌خاطر بیان می‌کند (ریو، ۱۳۸۰، ص ۸-۷). ما در اینجا این را می‌پذیریم که انسان برای همه فعالیت‌های خود به دنبال کسب رضایت‌خاطر است. چون اصطلاح مطلوبیت در نظریه‌ها وارد شده است، ما در این مقاله با در نظر داشتن مفهوم گسترش‌یافته مطلوبیت، از اصطلاح مطلوبیت و رضایت‌خاطر به‌عنوان مترادف استفاده می‌کنیم و انگیزه انسان برای فعالیت تولیدی خود را نیز کسب مطلوبیت می‌دانیم. هدف انسان (تولیدکننده) حداکثرکردن مطلوبیت دنیوی و اخروی است. مطلوبیت، ناشی از عامل‌های گوناگونی است که از جمله مطلوبیت دنیوی حاصل از افزایش ثروت، افزایش درآمد (سود)، افزایش موقعیت اقتصادی و اجتماعی و مانند اینها و مطلوبیت حاصل از کسب پاداش اخروی در نتیجه انجام اعمال گوناگون و هزینه‌های در راه خدا در جریان تولید یا پس از آن با استفاده از محصول یا سود حاصل از آن و مانند اینها است. ** بنابراین حداکثر سازی سود و مانند اینها هدف نهایی نیستند؛ بلکه در اقتصاد سستی با تقلیل این واقعیت که سود هیچ ارزشی ندارد؛ مگر اینکه بتواند نیازی را برطرف کند یا به تعبیر کلی‌تر رضایت‌خاطری پدید آورد، به‌عنوان هدف قرار گرفته است؛ بلکه واقعیت آن است که اگر فرد بدون این سود به رضایت‌خاطر معادل استفاده از پول آن سود دست یابد سود را فدای این می‌کند. براساس این مشکل بوده که در برخی نظریه‌های رفتار تولیدکننده، حداکثرسازی تولید، حداکثرسازی فروش و مانند اینها نیز وارد شده است؛ بنابراین هدف قرار دادن سود، نوعی ساده‌سازی برای تحلیل است و هیچ ارزش دیگری ندارد و به مراتب بهتر است که بتوان هدف جامع‌تری را برای تولیدکننده در نظر گرفت که بتواند همه هدف‌های یادشده را یکجا با هم تحلیل کند. بر این اساس ما انگیزه و هدف جامع‌تر یعنی کسب رضایت‌خاطر دنیوی و اخروی و حداکثر کردن آن را به‌عنوان پیش‌فرض مدنظر قرار می‌دهیم.

*. مکتب‌های کل‌نگری، وجودنگری و روان‌شناسی گشتالت بر این باور هستند که انسان به‌صورت کل و یکپارچه بهتر قابل شناخت است و بر این اساس برای انسان انگیزه واحد بیان می‌کند. مکتب کل‌نگری این انگیزه را رضایت‌خاطر بیان می‌کند.

** برای اطلاع بیش‌تر درباره انگیزه و هدف رفتارهای مسلمان به کتاب نظریه اسلامی رفتار مصرف‌کننده (عزتی، ۱۳۸۲) مراجعه شود.

بر این پایه می‌توان گفت تولیدکننده با تعداد فراوانی از عنصرهای پدیدآورنده رضایت‌خاطر دنیوی و اخروی روبه‌رو است که مجموع آنها را طوری تنظیم می‌کند که با توجه به مجموع شرایط و الزام‌های موجود، حداکثر رضایت‌خاطر انتظاری را کسب کند. می‌توان مهم‌ترین اجزای رضایت‌خاطر اخروی حاصل از فعالیت تولیدکننده را به صورت ذیل برشمرد. رضایت‌خاطر اخروی حاصل از موارد ذیل است:

۱. افزایش کار شخصی (کار عبادت است) (A1)؛
۲. افزایش تولید جامعه (A2)؛
۳. افزایش عرضه و پدیدساختن فراوانی کالا و خدمت در جامعه (A3)؛
۴. پدیدساختن اشتغال (A4)؛
۵. کمک به درآمد افراد (A5)؛
۶. کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه (A6)؛
۷. کمک به استقلال جامعه (A7)؛
۸. کمک به کارگران در پرداخت دستمزد (A8)؛
۹. کمک به تولیدکنندگان مواد اولیه از راه افزایش تقاضا (A9)؛
۱۰. حمایت مالی بیش‌تر از راه هزینه‌های بنگاه به کارگران (A10)؛
۱۱. کمک به تولیدکنندگان مواد اولیه از راه‌های دیگر مانند شرایط پرداخت مناسب و حمایت‌های دیگر (A11)؛
۱۲. بر جا گذاردن ارث برای فرزندان (وارثین) (A12)؛
۱۳. هر نوع کمک دیگر به جامعه و افراد آن از راه فعالیت بنگاه یا سرمایه‌گذاری مجدد سود حاصل از فعالیت آن (A13)؛
۱۴. استفاده از سود برای انجام انواع هزینه‌های مذهبی (A14).

البته هر یک از این اعمال در هر مقطع زمانی متناسب با شرایط فردی و اجتماعی ممکن است پاداش اخروی و در نتیجه رضایت‌خاطر احتمالی متفاوتی داشته باشند. همچنین تولیدکننده مسلمان با توجه به شرایط خود و به‌ویژه درجه ایمان خود با کسب شرایط استحقاق مقدار مشخصی (مشخص برای خودش) از رضایت‌خاطر احتمالی اخروی ارضا خواهد شد. بر این اساس می‌توان گفت تولیدکننده می‌تواند با توجه به شرایط موجود

مجموع رضایت‌خاطر احتمالی مورد انتظار اخروی خود را (با فرض استقلال این رضایت‌خاطرها از یکدیگر) از تابع ذیل به دست آورد:

$$U_a = \alpha_1 A_1 + \alpha_2 A_2 + \alpha_3 A_3 + \alpha_4 A_4 + \alpha_5 A_5 + \alpha_6 A_6 + \alpha_7 A_7 + \alpha_8 A_8 + \alpha_9 A_9 + \alpha_{10} A_{10} + \alpha_{11} A_{11} + \alpha_{12} A_{12} + \alpha_{13} A_{13} + \alpha_{14} A_{14} \quad (3-1)$$

$$U_a = U(A_i) \quad \text{یا (3-2)}$$

که در آن U_a مجموع رضایت‌خاطر احتمالی اخروی حاصل برای فرد، حروف A_i مقدار انجام هر عمل طبق فهرست بالا و α ها ضرایب رضایت‌خاطر انتظاری حاصل از هر واحد از هر یک از اعمال است.

مانند این حالت می‌توان مهم‌ترین اجزای رضایت‌خاطر دنیوی حاصل از فعالیت تولیدکننده را به صورت ذیل برشمرد؛ رضایت‌خاطر دنیوی حاصل از:

۱. افزایش درآمد و ثروت (D_1)؛

۲. بهبود موقعیت اجتماعی (D_2)؛

۳. و مانند اینها (D_3).

با این حال، مهم‌ترین عنصر محوری در این باره سود است که این رضایت‌خاطرها را فراهم می‌کند. بر این اساس است که در نظریه سنتی اقتصاد، هدف حداکثرسازی سود قرار داده می‌شود. در این صورت می‌توان گفت رضایت‌خاطر دنیوی فرد متناسب با شرایط و تمایلات وی (با فرض استقلال این رضایت‌خاطرها از یکدیگر) حاصل تابع ذیل است:

$$U_d = \beta_1 D_1 + \beta_2 D_2 + \beta_3 D_3 \quad (3-3)$$

$$U_d = f(D_i) \quad \text{یا (3-4)}$$

که در آن U_d مجموع رضایت‌خاطر احتمالی اخروی حاصل برای فرد حروف D_i مقدار تحقق هر هدف از سه هدف بالا و β ها ضرایب رضایت‌خاطر حاصل از هر واحد از تحقق هر یک از سه هدف پیش‌گفته است. برای سهولت تحلیل در نظریه سنتی اقتصاد مجموع آن را حاصل سود (π) در نظر می‌گیرند.

بنابراین می‌توان گفت تولیدکننده مسلمان در فعالیت تولیدی دارای تابع رضایت‌خاطری است که حاصل نوعی جمع در رضایت‌خاطرهاى بالا و مشابه تابع ذیل است:

$$U_T = U(A_i, D_i) \quad (3-5)$$

نکته مهم در تحلیل رفتار تولیدکننده این است که تحقق این انواع رضایت‌خاطر الزاماً جایگزین یکدیگر نیست. می‌توان فعالیت تولیدی انجام داد که همه این رضایت‌خاطرها را دربر داشته باشد. همچنین می‌توان فعالیت تولیدی انجام داد که برخی از اینها را دربر داشته باشد یا فعالیتی که هدف‌های دنیوی آن در تضاد با هدف‌های اخروی آن باشد و حتی فعالیتی که تحقق هم‌زمان برخی هدف‌های اخروی آن ناسازگار باشد.

نکته مهم دیگر اینکه با اقدام به انجام سرمایه‌گذاری با شرط نیت الهی بخشی از پاداش الهی و در نتیجه رضایت‌خاطر اخروی به انسان تعلق خواهد گرفت. بخشی از آن نیز با انجام تولید، پدیدساختن اشتغال، افزایش کار شخصی افزایش تولید جامعه، افزایش عرضه و پدیدساختن فراوانی کالا و خدمت در جامعه، کمک به درآمد افراد، کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه، کمک به استقلال جامعه، کمک به کارگران با پرداخت دستمزد، کمک به تولیدکنندگان مواد اولیه از راه افزایش تقاضا و مانند اینها صرف‌نظر از انجام هزینه دیگری در راه خدا به تولیدکننده تعلق خواهد گرفت؛ اما بخش دیگری از رضایت‌خاطر اخروی به صرف‌نظر کردن از بخشی از سود منوط خواهد بود، مانند اینکه برای کسب رضایت الهی به کارگران رسیدگی بیش از حداقل قانونی بشود، بخشی از تولید بین نیازمندان توزیع شود، محصول به قیمت ارزان فروخته شود، کارگران بیش‌تری استخدام کند، برای کمک به جامعه بیش از نقطه حداکثر سود تولید کند و بخشی از سود در راه خدا هزینه کند.

با توجه به اینکه تولیدکننده می‌تواند رضایت‌خاطر اخروی را در جریان تولید و با صرف هزینه‌های تولد کسب کند یا اینکه پس از کسب حداکثر سود تولید بخشی از (یا همه) آن را در راه خدا صرف کند، می‌توان حداکثر سودش را حداکثر مانده سود برای مصارف شخصی دنیوی در نظر گرفت. این تفکیک کار تحلیل را تسهیل می‌کند. بر این اساس ما تعریف جدیدی از سود به نام مانده سود به بحث‌ها اضافه می‌کنیم و منظورمان از مانده سود، مبلغی از سود تولید است که تولیدکننده برای مصارف شخصی دنیوی خود برمی‌دارد.

بر این پایه با این فرض که مجموع مانده سود نزد تولیدکننده پس از هزینه‌های در راه خدا پیش و بعد از تولید برای هزینه شخصی استفاده می‌شود، می‌توان گفت فعالیت تولیدی

تولیدکننده برای هر نقطه انتخابی از تولید می‌تواند به کسب رضایت‌خاطر در قالب شانزده گزینه ذیل بینجامد:

۱. تولید به کسب حداکثر رضایت‌خاطر اخروی همراه حداکثر مانده سود برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۲. تولید به کسب رضایت‌خاطر اخروی غیرحداکثری همراه حداکثر مانده سود برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۳. تولید بدون رضایت‌خاطر اخروی به کسب حداکثر مانده سود برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۴. تولید با رضایت‌خاطر اخروی منفی به کسب حداکثر مانده سود برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۵. تولید به کسب حداکثر رضایت‌خاطر اخروی همراه مانده سود غیرحداکثری (مانده سود کم‌تر از حداکثر ممکن برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی) بینجامد؛
۶. تولید به کسب رضایت‌خاطر اخروی غیرحداکثری همراه مانده سود غیرحداکثری برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۷. تولید بدون رضایت‌خاطر اخروی به کسب مانده سود غیرحداکثری برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۸. تولید با رضایت‌خاطر اخروی منفی به کسب مانده سود غیرحداکثری برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۹. تولید به کسب حداکثر رضایت‌خاطر اخروی همراه مانده سود صفر برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۱۰. تولید به کسب رضایت‌خاطر اخروی غیرحداکثری همراه مانده سود صفر برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۱۱. تولید بدون رضایت‌خاطر اخروی به کسب مانده سود صفر برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی بینجامد؛
۱۲. تولید با رضایت‌خاطر اخروی منفی به کسب سود صفر بینجامد؛
۱۳. تولید به کسب حداکثر رضایت‌خاطر اخروی همراه زیان (منجر به کسب رضایت‌خاطر دنیوی منفی) بینجامد؛
۱۴. تولید به کسب رضایت‌خاطر اخروی غیرحداکثری همراه زیان (منجر به کسب

رضایت خاطر دنیوی منفی) بینجامد؛

۱۵. تولید بدون رضایت خاطر اخروی همراه زیان (منجر به کسب رضایت خاطر

دنیوی منفی) بینجامد؛

۱۶. تولید با رضایت خاطر اخروی منفی همراه زیان (منجر به کسب رضایت خاطر

دنیوی منفی) بینجامد.

گزینه‌های ۱۱، ۱۲، ۱۵ و ۱۶ گزینه‌های غیرعقلانی است؛ زیرا این نقاط تولید هیچ رضایت خاطر مثبتی (منفعتی) برای تولیدکننده ندارد (و در برخی موارد زیان نیز دارد). اگر تولیدکننده مسلمان باشد و به آخرت ایمان داشته باشد، متناسب با شرایط خود و اجتماع یکی از ۱۲ گزینه دیگر را انتخاب خواهد کرد. برخی از این گزینه‌ها مانند گزینه‌های ۳، ۴، ۷، و ۸ حالت‌های خاص است که شرایط ویژه را نشان می‌دهند و فقط در شرایط خاص امکان انتخاب شدن دارند؛ البته گزینه‌های ۳ و ۷ امکان وقوع بیش‌تری دارند. گزینه‌های ۱۳ و ۱۴ نیز با شرط اینکه مجموع رضایت خاطر حاصل مثبت باشد عقلانی است. گزینه ۱ نیز با وجود بسیار مطلوب بودن، امکان وقوع بسیار اندکی دارد و نوعی شرایط استثنایی است. باقی‌مانده گزینه‌ها (۲، ۵، ۶، ۹، و ۱۰ همراه گزینه‌های ۳ و ۷) عقلانی و امکان وقوع متداول دارند. بر این اساس تولیدکننده مسلمان انتخاب خود را در بین این گونه گزینه‌ها انجام خواهد داد. حاصل آن کسب رضایت خاطر اخروی صفر تا حداکثر و کسب رضایت خاطر دنیوی حاصل از مانده سود صفر تا حداکثر ممکن خواهد بود. بر این اساس می‌توان محدوده تحلیل را به این گزینه‌ها محدود و گزینه‌های دیگر را در شرایط خاص تحلیل کرد.

مدل

بنابر آنچه بیان شد، تولیدکننده مسلمان در برابر خود با یک درآمد ممکن (دست‌یافتنی) روبه‌رو است. این درآمد ممکن، حداکثر سود اقتصادی است که بنگاه طبق نظریه سنتی اقتصاد می‌تواند کسب کند. این سود فرصتی را برای دنیا و آخرت خود صرف می‌کند. وی این سود فرصتی را صرف کسب رضایت خاطر دنیوی و اخروی خود می‌کند. متناسب با شرایط جامعه و خود مقدار تولید وی در نقطه حداکثر سود، بیش‌تر از آن یا کم‌تر از آن خواهد بود. در این شرایط می‌توان تابع هدف وی را چنین نوشت:

$$\text{Max: } U_T = U(D_i, A_i) \quad (3-6)$$

که در آن U_T تابع رضایت خاطر کل فرد، D_i مانده سود برای مصارف شخصی دنیوی (هزینه صرف شده برای کسب رضایت خاطر دنیوی) و A_i هزینه فرصت کسب رضایت خاطر آخرتی است و منظور سودی است که تولیدکننده به طور مستقیم صرف کسب رضایت خاطر در آخرت می کند یا با صرف نظر کردن از آن درصدد کسب رضایت خاطر در آخرت است. چنانکه گفته شد، تولیدکننده مجموع سود ممکن حداکثری* خود را صرف کسب این دو رضایت خاطر می کند. بر این اساس آنچه وی در اختیار دارد (دارایی فرصت) و می تواند صرف کسب رضایت خاطر دنیوی و آخرتی کند، این حداکثر سود براساس نظریه اقتصاد سنتی است که آن را با π نشان می دهیم:

$$Max : \pi = TR(q) - TC(q) \quad (3-7)$$

که آن را با $m\pi$ نشان می دهیم. بر این اساس قید دارایی نیز خواهد شد:

$$m\pi = D + A \quad (3-8)$$

که در آن π حداکثر سود در نظریه اقتصاد سنتی، A هزینه فرصت صرف شده برای کسب رضایت خاطر آخرتی و D مانده سود برای مصارف شخصی دنیوی (کسب رضایت خاطر دنیوی) است. ما این دو را بر حسب واحد پول در نظر می گیریم که قابلیت تحلیل بیش تر شود و در عمل تعدد حالت های ممکن که در انتخاب تولیدکننده وجود دارد فضای تحلیلی و تشریح علمی را ساده کند. همچنین این شکل در نظر گرفتن قید با ساده سازی مدل قابلیت کاربرد آن را نیز افزایش می دهد. این تابع با قید پیش گفته از راه شرایط کان تا کر حل خواهد شد و با حل آن از راه حرکت معکوس، نقطه متناظر تولید به دست می آید. بر این اساس خواهیم داشت:

$$L = U(D, A) + \lambda(m\pi - D - A) \quad (3-9)$$

رابطه لاگرانژ می شود:

$$L = U(D, A) + \lambda(m\pi - D - A) \quad (3-10)$$

* منظور ما از این عبارت حداکثر سودی است که اگر تولیدکننده هدفش را فقط حداکثرسازی سود قرار دهد، می تواند متناسب با بازار و شرایط دیگر به دست آورد.

با مشتق‌گیری از آن داریم:

$$\frac{\partial L}{\partial D} = U'_D - \lambda = 0 \quad (3-11)$$

$$\frac{\partial L}{\partial A} = U'_A - \lambda = 0 \quad (3-12)$$

$$\frac{\partial L}{\partial \lambda} = m\pi - D - A = 0 \quad (3-13)$$

که خواهیم داشت:

$$\frac{U'_D}{U'_A} = \frac{-\lambda}{-\lambda} \Rightarrow \quad (3-14)$$

$$U'_D = U'_A = \lambda \quad \text{و} \quad 1 = \frac{U'_D}{\lambda} \quad \text{و} \quad 1 = \frac{U'_A}{\lambda} \quad (3-15)$$

بر این اساس شرط مرتبه اول (لازم) برای تعادل تولیدکننده برابری رضایت‌خاطر (مطلوبیت) نهایی مانده سود (مطلوبیت حاصل از هر واحد مخارج شخصی دنیایی از محل مانده سود) با رضایت‌خاطر (مطلوبیت) نهایی آخرتی هر واحد هزینه در راه خدا (از محل سود یا فرصت از دست رفته سود) است. ضریب λ می‌تواند به‌عنوان رضایت‌خاطر نهایی هر واحد پول برای هزینه‌کردن در راه کسب رضایت‌خاطر تلقی شود؛ زیرا مصرف‌کننده در تعادل، باید امید ریاضی رضایت‌خاطر نهایی یک واحد کالای دنیوی به نسبت قیمت آن را با امید ریاضی رضایت‌خاطر نهایی یک واحد از موهبت‌های الهی اخروی به نسبت هزینه‌ای که باید صرف کسب آن کند، برابر یکدیگر و برابر یک کند. شرط دوم حداکثرسازی آن است که دترمینان هشین حاشیه‌دار حاصل از مشتق‌های دوم

جزیی، مثبت باشد. این دترمینان به‌صورت رابطه ذیل حاصل می‌شود:

$$\Delta = \begin{vmatrix} U''_{DD} & U''_{D,A} & -1 \\ U''_{A,D} & U''_{AA} & -1 \\ -1 & -1 & 0 \end{vmatrix} > 0 \quad (3-16)$$

با تحلیل این دترمینان خواهیم داشت:

$$2U''_{D,A}1 * 1 - U''_{DD}(1^2) - U''_{AA}(-1^2) > 0 \quad (3-17)$$

با جای‌گذاری رابطه شماره ۱۴ در این رابطه خواهیم داشت:

$$2U''_{D,A}U'_A U'_D - U''_{DD}U'^2_a - U''_{AA}U'^2_d > 0 \quad (3-18)$$

با فرض اینکه مطلوبیت نهایی دو نوع مخارج نزولی است (فرضی که همواره در این موارد موردقبول واقع می‌شود)، این رابطه برقرار است. با این فرض، همه اجزای قسمت

اول رابطه از (سمت چپ) مثبت هستند، کل این قسمت مثبت است. چون U'_a مثبت و U''_{DD} منفی و ضریب آنها منفی است، قسمت دوم نیز مثبت است و چون U''_d مثبت و U''_{AA} منفی و ضریب آنها نیز منفی است، قسمت سوم نیز مثبت است. بر این پایه، کل رابطه مثبت است. در نتیجه این رابطه، فرض شبه مقعر بودن تابع (رویه) رضایت‌خاطر (در فضای دو بُعدی) را تأمین می‌کند که بر آن اساس، حداکثرسازی مفهوم می‌یابد.

تولیدکننده هم‌زمان با فرایند تصمیم‌گیری درباره تخصیص سود ممکن فعالیت تولیدی برای کسب رضایت‌خاطر دنیوی و اخروی، متناسب با نوع تصمیم، مقدار تولید خود را نیز تنظیم می‌کند. به‌طور کلی وضعیت گوناگون موجود در جامعه، عامل مهم تعیین‌کننده فعالیت‌هایی هستند که باعث کسب پاداش اخروی می‌شوند. ممکن است اقدامی در شرایط عادی پاداش اخروی نداشته باشد و در شرایط خاص داشته باشد و عکس این حالت نیز برای اقدام دیگری صدق کند.

به‌صورت کلی برای تعیین مقدار تولید، تولیدکننده مسلمان، هم‌زمان در فرایند تصمیم‌گیری با قرار دادن معادله‌های (۱۵-۳) در رابطه دارایی قابل تخصیص (رابطه ۱۳-۳) مقدار مانده سود خود را مشخص می‌کند. می‌توان مقدار مانده سود را در تابعی که حداکثر سود فرصتی ($m\pi$) را داده است (۷-۳) قرار داد و مقدار تولید متناظر به‌دست می‌آید. نکته قابل تأمل در اینجا این است که ممکن است در نقاط غیر حداکثر سود، دو نقطه سود متناظر با این سود وجود داشته باشد که تولیدکننده بر حسب نوع فعالیت در راه خدا، مقدار تولید را مشخص می‌کند. این مقدار بر روی تابع تولید است و در مقدار تولید معین خود، بهترین است. فرض می‌کنیم برای تولیدکننده، مجموعه‌ای از اقدام‌های از پیش تعیین‌شده مستلزم افزایش هزینه تولید (مانند: پرداخت دستمزد بیش‌تر به کارکنان، استخدام بیش‌تر، هزینه‌های رفاهی بیش‌تر، هزینه افزایش کیفیت محصول و مانند اینها) یا صرف‌نظر کردن از سود (مانند: کاهش قیمت از قیمت متداول بازاری، یا توزیع مجانی بخشی از محصولات و مانند اینها) وجود دارد که رضایت‌خاطر آخرتی نخستین واحد آن بیش‌تر از رضایت‌خاطر دنیوی هزینه فرصت آن است. وی مقدار بهینه مانده سود و هزینه در راه خدا را برای کسب حداکثر رضایت‌خاطر دنیایی و آخرتی با روش بالا حداکثر می‌کند و مقدار مانده سود را در تابعی که حداکثر سود فرصتی ($m\pi$) را از آن گرفته است (۷-۳) قرار می‌دهیم و مقدار سود

و براساس آن مقدار تولید متناظر بر روی تابع تولید به دست می‌آید که تولید بهینه وی است. هنگامی که نقطه بهینه تولید مشخص شد بر روی تابع تولید مقدار تخصیص منابع مشخص می‌شود؛ البته در این تخصیص نیز کسب رضایت خاطر اخروی و دنیوی می‌تواند اثر داشته باشد که از حالت‌های خاص است و از حالت عمومی تحلیل ما خارج است.

این مقدار تولید را می‌توان به صورت دیگر نیز به دست آورد. مقدار بهینه هزینه در راه خدا و مانده سود را به روش بالا به دست می‌آوریم؛ سپس با احتساب این هزینه‌ها در هزینه تولید یا در تابع درآمد، نقطه حداکثر سود را براساس نظریه سنتی اقتصاد به دست می‌آوریم. فقط تابع هزینه تولید (هزینه ثابت یا هزینه متغیر) یا تابع درآمد (یا خط قیمت) وی متفاوت خواهد بود؛ البته شکل و مقادیر متغیرها در این تابع، تحت تأثیر تابع مطلوبیت دنیایی و آخرتی فرد و سرانجام تعادل به دست آمده در بالا هستند.

چنانکه اشاره شد حالت‌های ممکن برای کسب رضایت خاطر آخرتی متعدد هستند و هر فعالیتی که در راه خدا انجام می‌شود، رضایت خاطر مشخصی دارد. تولیدکننده آنها را از بیش‌ترین تا کم‌ترین مرتب می‌کند و در برابر آن رضایت خاطر دنیایی حاصل از مانده سود را قرار می‌دهد و مقایسه می‌کند. انتخاب خود را از بیش‌ترین رضایت خاطر دنیوی و اخروی شروع می‌کند تا به نقطه تعادل برسد و نمی‌توان به سادگی با متغیر خاص تصمیم وی را محدود کرد. با وجود این، می‌توان حالت‌های خاصی را در نظر گرفت که متغیر تصمیم تولیدکننده متناسب با شرایط موجود خاص محدود به یک متغیر است. از بین حالت‌های گوناگون با چند حالت خاص را فرض می‌کنیم که فقط یک تصمیم برای تولیدکننده، رضایت خاطر آخرتی قابل مقایسه با رضایت خاطر دنیایی حاصل از مانده سود دارد و این حالت‌ها را توضیح می‌دهیم.

فرض می‌کنیم شرایط جامعه طوری باشد که هزینه کردن سود پس از تولید برای تولیدکننده باعث کسب رضایت خاطر آخرتی بیش‌تری می‌شود. در این حالت تولیدکننده شرایط تولید خود را با شرایط حداکثر سود مشابه نظریه سنتی اقتصاد تنظیم می‌کند و پس از کسب سود حداکثری، بخشی یا همه سود کسب شده را در راه خدا هزینه می‌کند. تصمیم وی در تخصیص درآمد ناشی از سود به کسب رضایت خاطر دنیایی و آخرتی مشابه نظریه رفتار مصرف‌کننده خواهد بود. شرایط تعادلی این تخصیص را به متون موجود درباره تعادل رفتار مصرف‌کننده مسلمان ارجاع می‌دهیم (ر.ک: عزتی، ۱۳۸۲).

برای حالت دیگر فرض می‌کنیم برای تولیدکننده اقدامی از پیش تعیین شده مستلزم افزایش هزینه تولید (مانند پرداخت دستمزد بیش‌تر به کارکنان) به مقدار مشخص وجود دارد که رضایت‌خاطر آخرتی آن به‌طور مطلق بیش‌تر از رضایت‌خاطر دنیوی هزینه فرصت آن است. در این حالت، تولیدکننده می‌تواند با احتساب این هزینه‌ها در هزینه تولید، سود خود را براساس نظریه سنتی اقتصاد حداکثر می‌کند. فقط تابع هزینه تولید (هزینه ثابت یا هزینه متغیر) وی متفاوت خواهد بود (حالتی شبیه مدل متوالی).

حالت قابل فرض دیگر اینکه جامعه نیاز به تولید بیش‌تر دارد و براساس آن رضایت‌خاطر اکتسابی آخرتی ناشی از افزایش یک واحد تولید، بیش‌تر از رضایت‌خاطر دنیوی، کاهش یک واحد مانده سود است. در این حالت وی نقطه تعادل خود را با بهینه‌یابی بین رضایت‌خاطر دنیوی ناشی از مانده سود و رضایت‌خاطر آخرتی افزایش تولید تعیین می‌کند (حالتی مانند: مدل حلاق، با تفاوت مختصر در مفهوم مانده سود به جای سود).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انگیزه واقعی هر فعالیتی از جمله تولید، کسب رضایت‌خاطر (مطلوبیت) است. انسان مسلمان چون باور به زندگی در دو جهان حاضر و پس از مرگ دارد، می‌کوشد رضایت‌خاطر خود را در این دو زندگی حداکثر کند. بر این پایه می‌توان رفتارهای گوناگون انسان‌ها از جمله رفتار تولیدکننده را توجیه کرد. با این مبنا کوشش شد با قرار دادن انگیزه کسب رضایت‌خاطر برای تولیدکننده و هدف حداکثرسازی آن، مدلی تکمیلی ارائه شود تا بتوان براساس آن، همه حالت‌های ممکن برای رفتار تولیدکننده مسلمان را تجزیه و تحلیل و تبیین کرد.

منابع و مأخذ

۱. صدیقی و دیگران؛ اقتصاد خرد نگرش اسلامی؛ ترجمه حسین صادقی؛ تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
۲. عزتی، مرتضی؛ نظریه اسلامی رفتار مصرف‌کننده؛ تهران: مرکز پژوهش‌های اقتصاد، ۱۳۸۲.
۳. میرمعزی، سیدحسین؛ «نظریه رفتار تولیدکننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۳.

4. Abbas, Abdel Rahman B.M; **Islamic Economics: A Psycho-ethical Paradigm**; Al-Ta'sil 2, 1995.

5. Akhtar, M. Ramzan; "An Islamic Framework for Employer-Employee Relationships"; **the American Journal of Islamic Social Sciences**; 9(2), 1992.
6. _____; "Modelling the Economic Growth of an Islamic Economy", **the American Journal of Islamic Social Sciences**; and 10(4), 1993.
7. Ali, Mohammad Yousuf; **Optimal Utilization of Resources and Maximization of Production in Islam**; in Thoughts on Islamic Economics. Bangladesh: Islamic Economics Research Bureau, 1980.
8. Arief, Mohamed; **Ethics and Economics in Islam**; Islamika, 1982.
9. _____; "The Role of the Market in the Islamic Paradigm"; **IJUM Journal of Economics and Management** 5(2); 1997.
10. Azid, Toseef and Asutay, Mehmet and Umar Burki; **Theory of the Firm, Management and Stakeholders: An Islamic Perspective**; Islamic Economic Studies, Vol. 15, No. 1, July 2007.
11. Bendjilali, Boualem & Farid B. Taher; "A Zero Efficiency Loss Monopolist: An Islamic Perspective"; **the American Journal of Islamic Social Sciences**; 7(1), 1990.
12. Dar, Muhmmad Ilyas, "Islamic Economic System", **Journal of Islamic Banking and Finance**; 5(3), 1988.
13. Al-Faruqi, Ismail Raji; **Tawhid: The Principle of the Economic Order**; Tawhid for Thought and Life, 1, 1983.
14. Gusau, Sule Ahmad; **The Nature and Methodology of Islamic Economics**; in Frontiers and Mechanics of Islamic Economics, Rafikul Islam Molla, Abdul Rashid Moten, Sule Ahmad Gusau and Abubakar Aliyu Gwandu (ed.) Nigeria: University of Sokoto, 1988.
15. Hallaq, Said; **Rationality in Production: The Case of the Muslim Firm**; Humanomics, 11 (4), 1995.
16. Hasan, Zubair; **Theory of Profit**; New Delhi; Vikas Publishing House (Out of print), 1975.
17. _____; "Theory of Profit: The Islamic Viewpoint"; **Journal of Research in Islamic Economics**, Vol. 1, No. 1, 1983.
18. _____; **Profit-maximization: Secular versus Islamic**; in Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective, Syed Tahir, Aidit Ghazali and Syed Omar Syed Agil (ed.), Selangor, Malaysia: Longman, 1992.
19. _____; "Maximization Postulates and Their Efficacy for Islamic Economics"; **American Journal of Islamic Social Sciences**; Vol. 19, No. 1, 2002.
20. _____; "Theory of profit from Islamic perspective MPRA"; Paper No. 8129, posted 08. April 2008.
21. Iqbal, Munawar; **Organization of Production and Theory of Firm Behaviour from an Islamic Perspective**; in Lectures on Islamic

- Economics, Ausaf Ahmad and Kazim Raza Awan (Ed.). Jeddah: Islamic Research and Training Institute, IDB, 1992.
22. Kahf, Monzer; **the Theory of Production, in the Islamic Economy**; Analytical Study of the Functioning of the Islamic Economic System, by Monzer Kahf. Plainfield, Indiana: The Muslim Students' Association of the United States and Canada, 1978.
 23. Metwally, M.M; **A Behavioral Model of an Islamic Firm, Readings in Microeconomics**; an Islamic Perspective, Syed Tahir, Aidit Ghazali and Syed Omar Syed Agil (Ed.). Selangor, Malaysia: Longman, 1992.
 24. _____; "Economic Consequences of Applying Islamic Principles in Muslim Societies", **International Journal of Social Sciences**, 24(7, 8, and 9); 1997, 941-57.
 25. Mirakhor, Abbas; **General Characteristics of an Islamic Economic System**; Anthology of Islamic Banking, Asma Siddiqi (Ed.). London: Institute of Islamic Banking and Insurance, 2000.
 26. Mohd, Amin, Ruzita, and Selamah Abdullah Yusof; **Allocative Efficiency of Profit Maximization: An Islamic Perspective**, Review of Islamic Economics, 2003.
 27. _____; **a Survey on the Objective of the Firm and Models of Producer Behavior in the Islamic Framework**; J.KAU: Islamic Econ., Vol. 20, No. 2, 2007.
 28. Naqvi, Syed Nawab Haider; **Economics of Human Rights: An Islamic Perspective**; Hamdard Islamicus, 1981.
 29. Naqvi, Syed Nawab Haider; **the Dimensions of an Islamic Economic Model**; Islamic Economic Studies, 1997.
 30. Al-Safar, Abdul Kareem; **Use of Non-linear Programming in Achieving Equilibrium of an Islamic Firm**; Humanomics, 14(2), 1998.
 31. Siddiqi, Muhammad Nejatullah; **The Economic Enterprise in Islam**, 2nd edition, Lahore, Pakistan: Islamic Publications, 1979.
 32. _____; **Islamic Producer Behaviour, in Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective**, Syed Tahir, Aidit Ghazali and Syed Omar Syed Agil (Ed.). Selangor, Malaysia: Longman, 1992.
 33. Zaim, Sabah Eldin; "Islamic Economics as a System based on Human Values"; **Journal of Islamic Banking and Finance**; 6(2), 1979.